

انگیزه‌های سیر آفاقی در تذکره الاولیاء

مریم رحمانی^۱

دکتر محمد فولادی^۲

دکتر میثم احمدی^۳

چکیده

سیر آفاقی یکی از موضوعات بسیار مهم ادبیات عرفانی است. ارزش و اهمیت این مبحث در نزد صوفیه از چنان جایگاهی برخوردار بوده که باعث شده بسیاری از صوفیه، بخشی از کتابشان را به بحث در این زمینه اختصاص دهند و به بحث درباره انگیزش‌های مختلف سالکان و شرایط و آداب سفر پردازنند.

کتاب تذکره الاولیاء از جمله کتب برجسته‌ای است که عطار نیشابوری آن را در ذکر حال نودوهفت تن از مشایخ صوفیه تألیف کرد. او در این کتاب در ضمن بیان احوال این مشایخ، به برخی از آداب طریقت آنان از جمله سیر آفاقی که به انگیزه‌های مختلفی چون بین این مشایخ رواج داشت. وجه اشتراک همه این سفرها، با هر انگیزشی که صورت می‌گرفت، درنهایت دل بریدن از مألفات جسمانی و رهایی از زندان نفس را در پی دارد و این خود برای عارفان مهم ونکته اساسی است.

در میان این انگیزش‌ها برخی از انگیزش‌های سفر مانند سفر برای حج یا سفر برای زیارت مشایخ، در میان مشایخ صوفیه تذکره الاولیاء نسبت به سایر انگیزش‌ها، از بسامد بالاتری برخوردار است. با این حال وجه مشترک این سفرها این است که با هر انگیزشی صورت گرفته، درنهایت منجر به آمادگی نفس برای سیر باطنی شده است.

واژگان کلیدی: عارفان و مشایخ صوفیه، سفر، سیر آفاقی، تذکره الاولیاء، عطار.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه قم maryam_rahmani2001@gmail.com

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه قم.

۳. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران.

ukaramicheme@yahoo.com

تاریخ پذیرش

۹۶/۱۰/۱۰

تاریخ دریافت

۹۶/۴/۱

۱۲ فصل نامه علمی پژوهشی «عرفانیات در ادب فارسی»

۱- مقدمه

سیروسفر یکی از شرایط شکوفایی شخصیت و مناسب‌ترین فرصت برای زدودن عادات نامطلوب فکری و رفتاری و تعالیٰ منش و شخصیت آدمی است؛ بنابراین سفر یکی از نهادی‌ترین و ضروری‌ترین نیازهای بشر است که از گذشته‌های دور با انگیزه‌های مختلفی صورت می‌گرفته است.

سفر از دیدگاه عارفان از جایگاه برجسته‌ای برخوردار بوده است؛ زیرا بنا بر اعتقاد این گروه، سفر سبب رستن از مکروه و توجه دل به سوی حق است که سالک را طی مناسکی، به مقام قرب الهی نائل می‌سازد.

بر این مبنای صوفیه معتقدند که «آدمی در عالم دنیا مسافر است و از اول فطرت در سفر افتاده است از عالم عدم، منازل می‌گذرد تا به قیامت رساند.» (العبادی، ۱۳۴۷: ۲۴۸)

یکی از سفرهایی که معمولاً در نزد صوفیه از اهمیت و جایگاه برجسته‌ای برخوردار بوده، سیر آفاقی است که برخی از سالکان با استناد به آیه «سَتْرِيْهُمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ تَبَيَّنَ لَهُمْ إِنَّهُ الْحَقُّ» (فصلت/۵۳)، این سیر را یکی از اصول اساسی تصوف و فریضه‌ای از جانب خدا می‌دانستند.

در این نوع از سفرها، «مسافر به سوی مقصد و مطلوبی رخت سفر بر می‌بندد که آن مطلوب، وی را به کمال و قرب حق نزدیک می‌کند یا از نکایت امری می‌گریزد و قصدش دور شدن از تنگناهای دینی و دنیوی است.» (کیری ۱۳۶۳: ۳۷)

تذکره الاولیاء

تذکره الاولیاء، عنوان کتابی است از عارف و شاعر بزرگ قرن ۶ و ۷ هجری، شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، «در سرگذشت نودوهفت تن از اولیاء و مشایخ با ذکر مقامات و مناقب و مکارم اخلاق و نصایح و مواعظ و سخنان حکمت‌آمیز آنان.» (صفا، ۱۳۸۰: ۳۶۵) عطار در تحریر تذکره‌الولیا از کتاب کشف‌المحجوب (هجویری) از جلابی هجویری و طبقات‌الصوفیه از عبدالرحمن سلمی بهره جسته است. وی در این کتاب ضمن بیان احوال کسانی چون امام صادق، اویس قرنی، ابراهیم ادهم، رابعه عدویه، ابوحنیفه، امام شافعی، احمد حنبل و محمدباقر، به شیوه سیر و سلوک آن‌ها نیز اشاره می‌کند.

۱- اهداف و پیشینه پژوهش

علاوه بر قرآن و روایات که درباره اهمیت و ضرورت سفر بیان شده است، همواره بخشی از آثار متصوفه به اهمیت و ضرورت سفر اختصاص داده شده است که بیانگر اهمیت سفر (نفسی و آفاقی) در میان این دسته از مردم است. در این باره پژوهش‌هایی نیز صورت گرفته است که از ابعاد گوناگون به نقش سفر در میان سالکان طریقت می‌پردازد؛ از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «سیر آفاق در مشرب متصوفه» نوشته لیلا هاشمیان و میثم احمدی؛ «بررسی سفر آفاقی و دستاوردهای آن از منظر عرفای مسلمان» از وحید فخار نوغانی؛ «سفر در متون نثر عرفانی» نوشته هوشنگ محمدی افشار؛ «سیروسفیر از منظر آیات و روایات» پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته الهیات دانشگاه قم نوشته مریم صادق و «تحلیل و بررسی سیروسفیر در متون عرفانی قرن هفتم» پایان‌نامه دکتری ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان نوشته فاطمه ظاهری.

اما در حوزه سفر ظاهری، از دید مشاهیر عرفان و تصوف به شکل ویژه پرداخته نشده است؛ بنابراین این نوشتار دارای بینش نوین نسبت به انگیزه‌های سفر در میان اولیای تذکره الاولیاء است که نویسنده با آوردن نمونه‌هایی، انگیزه‌های صوفیان سالک را برای خواننده بیان می‌کند تا چارچوب روشن‌تری از انگیزه‌های سفر این سالکان نشان داده شود.

۲. انگیزه‌های سیر آفاقی در تذکره الاولیاء

در تذکره الاولیاء در ذکر حسین منصور حلاج آمده است: پس پای‌هایش بپریدند، تبسمی کرد، گفت: بدین پای سفر خاکی می‌کردم، قدمی دیگر دارم که هم‌اکنون سفر در هر دو عالم بکنم، اگر توانید آن را ببرید.« (طار، ۱۳۷۰: ۱۴۳)

توجه به سیر آفاقی در میان مشایخ صوفیه تذکره الاولیاء از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است چنانکه برخی از این صوفیه آن را امری ستوده دانسته‌اند و برخی با آن به مخالفت برخاسته‌اند.^۱ در هر حال سیر آفاقی در میان این جماعت از متصوفه که با انگیزش‌های مختلف صورت می‌گرفت، یکی از اصول اساسی تصوف است؛ چنانکه ابوعبدالله خفیف در تعریف تصوف گفته است: «تصوف صبر است در تحت مجازی اقدار و قرار گرفتن از دست ملک ذوالجلال و قطع کردن بیابان و کوهسار.» (همان: ۲۲۰)

۱۴ فصل نامه علمی پژوهشی «عرفانیات در ادب فارسی»

در ادامه با بررسی انواع و اهداف این سفرها، سعی می‌شود به چارچوب روش‌تری از سیر آفاقی در میان تذکره اولیای عطار دست‌یابیم.

۲۰.۱ برای حج

سفر حج در میان صوفیه یکی از پریسامدترین نوع سیر آفاقی است که در نزد صوفیه از سفرهای معنوی محسوب می‌شده است چنانکه نقل شده است که رسول خدا در اهمیت و اعتبار این سفر فرموده‌اند که «وفدالله ثلاثة: الحاج و الغازى و المعتمر»(باخرزی، ۱۳۴۵، ج ۲: ۱۵۷)

بنابراین، این سفر به عنوان یکی از آداب معنوی صوفیه همواره مورد توجه بوده است و بسیاری از متصوفه بارها این سفر را به عنوان یک فریضه دینی و معنوی انجام می‌دادند.^۲ این سفر در میان اولیای مذکور در «تذکره الاولیا» عطار نیز از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است؛ چنانکه حتی صوفیانی که به‌ظاهر با سفر سالک مخالف بودند تا فرستی دست می‌داد، به عزم زیارت‌خانه خدا بار سفر می‌بستند و راه بیابان را پیش می‌گرفتند و سختی‌های این سفر معنوی را به جان دل می‌خریدند.

برای مثال از احمد خضرویه نقل است که گفت: «یکبار به بادیه به راه توکل برای حج درآمدم باره برفتم خار مغیلان در پاییم شکست بیرون نکردم گفتم توکل باطل شود. همچنان نمی‌رفتم پاییم آماس گرفت... همچنان لنگان به مکه رسیدم و حج بگزاردم و همچنان بازگشتم...»(عطار نیشابوری، ۱۳۷۰، ج ۱: ۲۹۰)

در این میان برخی از این نوع سفرها در تذکره الاولیاء، علاوه بر آنکه بر جنبه ظاهري حج اشاره دارد، جنبه‌های معنوی آن نیز درخور توجه و تأمل است. در این نگاه، بینش عرفانی به خانه خدا مورد توجه بوده است و نه خانه گل؛ به عبارت دیگر یافته است. این بینش، در شعر شاعرانی چون مولوی نیز بازتاب داشته است.

برای مثال از رابعه عدویه نقل است که در میان بادیه کعبه را دید که به استقبال او می‌آید! گفت: من کعبه را چه کنم، صاحب خانه را می‌خواهم نه خانه !!
گویند ابراهیم ادهم همان سال به مکه رسیده بود، بعد از چهارده سال... او چون به کعبه رسید آن را در جای خود ندید! هاتفی آواز داد که‌ای ابراهیم کعبه به استقبال رابعه رفته است.(همان: ۶۲)

۲-۲. برای تهذیب نفس

هدف دیگر سفرهای آفاقی سالکان، اصلاح خوی و خصلت‌ها و تهذیب آن از طریق سفر ظاهری است؛ این‌گونه از سفر معمولاً از سوی مشایخ به مریدان توصیه می‌شد، زیرا بنا بر اعتقاد صوفیان «سفر دباغ نفس است سالک را، یبوست و عفونت به کلی از وی زایل شود.» (سهروردی، ۱۳۸۴: ۵۹) و سبب می‌شد تا «اخلاق انسان را برهنه کند و باعث برخاستن پرده باطن شود و خوبی‌های پوشیده و ذمایم اخلاق را بر آدمی کشف کند.» (محمدی افشار، ۱۳۸۸: ۴۲) از این‌رو گفته شده است که «یسمی السفر سفر لانه یسفر عن الاخلاق.» (کاشانی، ۱۳۶۷: ۲۰۶)

«پس بازیزد از بسطام رفت و سی سال تمام در بادیه شام می‌گشت و ریاضت می‌کشید و بی‌خوابی و گرسنگی پیش گرفت و در این مدت یکصد و سیزده پیر را خدمت کرد تا به حضرت امام جعفر صادق (ع)» (عطار نیشابوری، ۱۳۷۰: ۱۳۶)

بر این اساس بسیاری از مشایخ برای تنبیه و ریاضت نفس سالکان آن‌ها را به سفرهای طاقت‌فرسا و طولانی ترغیب می‌کردند، زیرا معتقد بودند که اگر سفر ظاهری در نفس سالک تأثیر گذارد و موجب تهذیب درونش شود، تبدیل به سفر روحانی می‌گردد. (قشیری، ۱۳۷۴: ۴۸۸)

در این‌گونه از سفرها که معمولاً به دستور پیر یا مراد انجام می‌شد، چنانکه در تذکره الاولیا نقل است که «احمد نصر شصت موقف ایستاده بود... یکبار در حرم حدیث بکرد پیران حرم او را از حرم بیرون کردند... چون احمد نصر به بغداد آمد بر حکم آن گستاخی به در خانه شیخ شد... شیخ بیرون آمد و گفت که او را مگذارید... احمد نصر بیفتاد و بی‌هوش شد... آخر روز شیخ ابوالحسن بیرون آمد و رو بدو کرد و گفت یا احمد... باید که برخیزی و به روم شوی و یک سال آنجا خوک بانی کنی...» (عطار، ۱۳۷۰: ۳۸۹)

۲-۳. زیارت مشایخ

سفر برای زیارت مشایخ یکی دیگر از انگیزه‌های سیر آفاقی در میان صوفیه بوده است؛ تا ضمن دیدار با آن‌ها از وجود معنوی آن‌ها بپرهمند شوند.

۱۶ فصل نامه علمی پژوهشی «عرفانیات در ادب فارسی»

این‌گونه از سفرها اگرچه در میان مشایخ صوفیه که عطار به شرح احوال آن‌ها می‌پردازد، چندان برجسته نیست اما می‌توان آن را یکی دیگر از انگیزه‌های سیر آفاقی در میان آن‌ها محسوب کرد.

«نقل است که دو شیخ به زیارت او (رابعه) آمده بودند و گرسنه بودند. رابعه دو گرده نان پیش ایشان نهاد تا بخورند...»(همان: ۶۳)

«جوانی پای برخene از اصفهان به عزم زیارت نوری بیرون آمد...نوری مریدان را گفت تا یک فرسنگ راه را جارو زند و گفت که جوانی می‌آید که نور حدیث عشق بر دل او تافته است.»(همان، ج ۲:۵۱)

۲.۴. سفر تجارت در طلب امرارمعاش

مهم‌ترین فایده مادی و ظاهری سفر بعد اقتصادی و درآمد حاصل از تجارت است. توجه اسلام به کسب رزق حلال و بهره‌مندی از مواهب طبیعی باعث ایجاد این انگیزه برای سفرهای تجاری در میان برخی از متصوفه بود. بنابراین برخی از صوفیه با استناد به آیه ۱۰ سوره جمعه «فانتشروا فی الارض و ابتغوا من فضل...» در زمین پراکنده شوید و فضل و رحمت خداوند را بجویید، برای کسب روزی و امرارمعاش به این‌گونه از سفرهای آفاقی می‌پرداختند.

در میان شرح احوال صوفیه در تذکره الاولیاء، شقيق بلخی از جمله شخصیت‌هایی بود که به انگیزه یک سفر تجاری به نواحی تركستان رفت.

«ابوعلی شقيق در آغاز کار بازرگانی می‌کرد و برای تجارت به تركستان رفت. در آنجا به دیدن بتخانه‌ای رفت...»(عطار نیشابوری، ۱۹۶: ۱۳۷۰) یا در احوال عبدالله بن مبارک آمده است که «یک سال حج می‌کرد، یک سال به غزو می‌رفت یعنی جنگ کافران و یک سال تجارت می‌کرد و منفعت خویش به یاران می‌بخشید.»(همان: ۱۸۰)

۲.۵. شهرت گریزی

گریختن از شهرت و زندگی در خمول و گتمانی در میان سایر انسان‌ها از جمله عواملی بود که گروهی از صوفیه را به نقل مکان و سفرهای دورودراز وامی داشت. این گریز معمولاً به انگیزه‌های مختلفی چون پنهان داشتن احوال خود از عوام و گاهی نیز به دلیل در امان ماندن از مفاسد خلائق صورت می‌گرفت اویس قرنی و ابراهیم ادhem در تذکره الاولیاء

از جمله شخصیت‌هایی هستند که از بیم مقبولیت و پذیرش در میان هم‌وطنان خود، به‌طور ناشناس رخت سفر بر می‌بندند و از وطن مألف خود می‌گریزند.

«چون مردم از حال وی-ابراهیم ادھم- آگاه شدند، از نیشابور بگریخت و به مکه رفت...»(عطار نیشابوری، ۸۸:۱۳۷۰)

اویس قرنی «جهت فرار از جاه و غرور دنیا چون به سفارش پیامبر و علی و فاروق، وی را حرمتی و جاهی پدید آمد، سر آن نمی‌داشت، از آنجا بگریخت و به کوفه شد و بعداز آن کسی او را ندید.»(همان، ج ۹:۱)

بنابراین این صوفیان گریزپا که سلامت دین و دل خود را درگرو جدا شدن از خلق می‌دانستند با شعار قرار دادن «استقامة الحال في البعد عن الناس»(المکی، ۳۴:۳۳۴) یکی از انگیزه‌های سیر آفاقی خود را گریز از شهرت گرایی در میان مردم، قراردادند.

۶.۲. برای یافتن مراد و راهنمای

سفر برای یافتن مری و پیر روحانی در سلوک معنوی عارفان، یکی از انگیزه‌های سفر آن‌ها به حساب می‌آمد؛ این نکته سبب می‌شد تا بسیاری از صوفیان برای یافتن مراد و مری، بار سفر از وطن خود بربندند و سختی راه را به جان دل بخرند: «به طلب شیخ کامل برخیزد، اگر مشرق نشان دهند و اگر در مغرب، برود و به خدمت او تمسک کند... و به هیچ عذری خود را بند نکند تا از این دولت محروم نماند که دریغ بود.»(رازی، ۳۷۳: ۲۵۵) در طی پیمودن این انگیزه از سفر است که سالک به فواید آن نائل می‌شود: «وجه اول آنکه راه ظاهر به کعبه‌ی صورت بی‌دلیل راهشناص نمی‌توان برد، بالآنکه رونده‌ی راه آن راه، هم دیده‌ی راه بین دارد، هم قوت قدیم ظاهر است و هم مسافت معین...»(همان: ۲۲۸)

چنانکه بر اساس اخبار تذکره الاولیاء آغاز توبه ذوالنون این‌گونه بود که «خبر دادند در فلان جای عابدی است که خود را از درخت آویخته است، ذوالنون به دیدنش رفت ...»(عطار نیشابوری، ۱۳۷۰: ۱۱۴)

یا درباره عبدالله مبارک آمده است: «آنگاه از مرو به بغداد رفت و مدتی در صحبت مشایخ بغداد بود؛...»(همان: ۱۸۰)

از موارد یادشده می‌توان استنباط کرد که یکی از اهداف مهم سفر در نزد عرفان رسیدن به پیر عارف واصل است که از طریق سفر بدان دست می‌یافتد.

۱۸ فصل نامه علمی پژوهشی «عرفانیات در ادب فارسی»

۷.۲. برای جهاد

جهاد نیز بنا بر مستندات قرآن و احادیث^۴ و به جهت برخورداری از ثواب معنوی آن، یکی دیگر از انگیزه‌های سفر صوفیانه در میان عارفان سالک بوده است؛ چنانکه در میان صوفیان، ابراهیم ادهم^۵ و عبدالله بن مبارک دو چهره بارز در این نوع از سفر آفاقی هستند. چنانکه عطار در تذکره الاولیاء در شرح احوال عبدالله بن مبارک می‌نویسد که «عبدالله بن مبارک سرانجام به حجاز رفت و در آنجا یک سال حج کرد، یک سال به غزو می‌رفت یعنی جنگ کافران و یک سال تجارت می‌کرد و منفعت خویش به یاران می‌بخشید.» (همان: ۱۸۰)

۷.۳. برای طلب علم

یکی دیگر از انگیزش‌های سالکان، سفر برای طلب علم و سماع حدیث بوده است؛ بنابراین بسیاری از صوفیان با استناد به روایت: «من سلک طریقاً یلتمس فیه علماء سهل الله له طریقاً الى الجنه» (هجویری ۱۳۷۱: ۴۵۰) برای شنیدن یا تفسیر یک حدیث مسیرهای طولانی‌ای را می‌پیمودند.

بنابراین برخی از صوفیه در تذکره الاولیاء نیز به همین انگیزه رحل طریق را بر می‌بستند و سفری طولانی را آغاز می‌کردند.

«ابوسعید ابوالخیر می‌گفت: به سرخس رفتم نزدیک پیر ابوالفضل و گفتم دلم می‌خواهد «یحبهم و یحبوه» را برای من تفسیر کنی...» (عطار نیشابوری، ۱۳۷۰: ۴۱۶) همان‌گونه که در این حکایت مشاهده می‌شود ابوسعید که خود از بزرگان عرفان بوده، برای تفسیر آیه‌ای از آیات قرآن کریم به مسافت رفته تا از محضر پیر بهره‌مند شود.

۷.۴. برای دعوت خلق و تبلیغ

تبلیغ و وعظ، گونه‌ای دیگر از انگیزه‌های سیر آفاقی مشایخ صوفیه بوده است. این انگیزش در میان برخی از مشایخ صوفیه تذکره الاولیاء باعث می‌شد تا برخی از آن‌ها ضمن تبلیغ اسلام در نواحی دارالکفر، باهدف اشاعه آرا و عقاید خود، رخت سفر را برای رفتن به نواحی دوردست بریندند.

انگیزه‌های سیر آفاقی در تذکره الاولیاء (۱۱-۲۳)

چنانکه عطار در شرح حال حسین منصور می‌نویسد: «پس از آنجا باز به بصره آمد، باز به اهواز آمد، پس گفت به بلاد شرک روم تا خلق به خدای خوانم، به هندوستان رفت. پس به ماوراءالنهر آمد. پس به چین آمد و خلق را به خدای خواند.» (همان، ۲، ج: ۱۳۷)

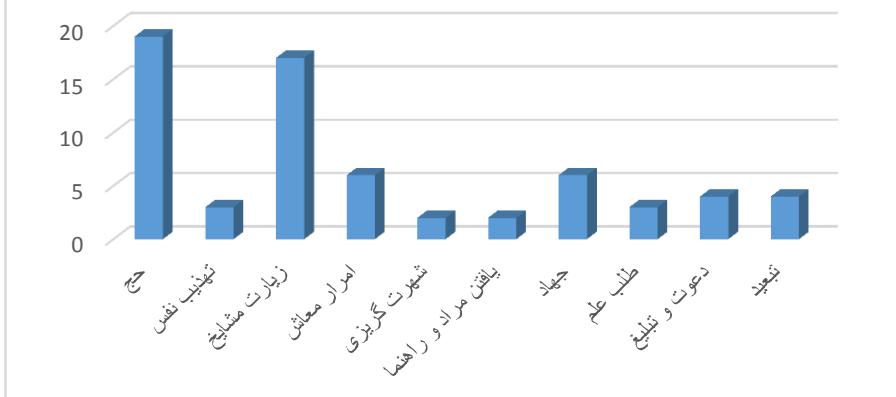
۲۰. برای تبعید

این انگیزه از سفر آفاقی، از جمله سفرهای مشقت باری که گاهی به صوفیه نه به میل و اراده خود بلکه به اجبار حکومت و صاحبان قدرت و تحریک عوام به آنان تحمیل می‌شد؛ تا جایی که بسیاری از صوفیان در این غربت و آوارگی جان می‌سپردند.

ابوالحسن پوشنگی از پوشنگ به عراق رفت و سال‌ها در آنجا بماند و چون بازگشت او را در پوشنگ به زندقه و بی‌دینی نسبت دادند، ناگزیر از آنجا به نیشابور رفت و عمری را با آوازه نیک و بلند به سر برداشت. (همان، ج: ۲، ۸۹)

«چون کار او بایزید بسطامی بلند شد، سخن او در حوصله اهل ظاهر نمی‌گنجید، حاصل هفت بارش از بسطام بیرونش کردند.» (عطار نیشابوری، ۱۳۷۰، ج: ۱، ۱۳۹)

انگیزه‌های سیر آفاقی در تذکره اولیاء



پی‌نوشت

۱. بازیزد خضرویه را گفت: تا کی سفر و گرد عالم گشن؟ خضرویه گفت: چون آب بر یکجا بایستد متغیر شود. شیخ گفت: گُن بحراً لایتَغِير «چرا دریا نباشی تا هرگز متغیر نگردی و آلایش نپذیری...»(عطار، ۱۳۷۰: ۱۴۸)
- ابوعبدالله خفیف در اهمیت سیروسفر، آن را معادل تصوف می‌شمارد و در ارج نهی به ضرورت این امر در میان متصوفه می‌گوید: «تصوف صبر است در تحت مجاری اقدار و قرار گرفتن از دست ملک ذوالجلال و قطع کردن بیان و کوهسار»(عطار، ۱۳۷۰: ۱۳۱)
۲. «إن الله اشتري من المؤمنين أنفسهم وأموالهم بأن لهم الجنـه يقاتلون فى سبيل الله فيقتلـون و يقتلـون وعدـا عليه حقـا فى التورـاه والإنجـيل والقرآنـ و من أوفـى بعهـده من الله فاستبـشروا بـبيعكم الذى بايـعتم به و ذلك هو الفـوز العـظيم» خداوند از مؤمنان جان‌ها و اموالشان را می‌خرد که [در برابر] بهشت برای آنان باشد. [به این‌گونه که] در راه خدا پیکار می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند. این، وعده حقی است بر او که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده است و چه کسی از خدا به عهدهش وفادارتر است؟! اکنون بشارت باد بر شما، به دادوستدی که با خدا کرده‌اید و این است آن پیروزی بزرگ! (توبه ۱۱۱)
۳. پیامبر (ص) می‌فرمایند: «سافروا تصحوا و تغموا» «سفر کنید تا سالم شوید و غنیمت و ثروت به دست آورید»(بحار الانوار، ۱۳۶۶، ج ۷۶: ۲۲۲)
۴. امیرمؤمنان علیه السلام درباره جهاد می‌فرماید: «ان الجـهاد بـاب من ابوـاب الجنـه فـتحـه الله لـخاصـه اولـيـاءه و هو لـباس التـقوـي و درـع الله الحـصـينـه و جـنتـه الوـثـيقـه» جهاد دری است از درهای بهشت که خداوند تنها به روی اولیاء خاص خویش گشوده است و آن لباس تقو و زره نفوذناپذیر و سپر اطمینان‌بخش الهی بر پیکر مجاهدان است. (نهج البـلاـغـه، خطـبـه ۳۷)
- ۵(بنگرید به ابن الجوزی، ۱۳۸۱: ۱۲۴)

۳. نتیجه

- از بررسی موضوع سفر در تذکره الاولیاء عطار نیشابوری و انگیزه‌های صوفیان و عارفان از سفر، نتایج زیر به دست می‌آید:
۱. هدف اصلی از «سفرهای ظاهری» در میان جماعت صوفیه، ایجاد تحول باطن و درون سالک است؛

۲. با بررسی آثار عرفانی فارسی مشهود است که در این آثار بابی به آداب سفر اختصاص

دارد که گویای ارزش و اهمیت این سیر در میان صوفیه است؛

۳. سرچشمۀ بسیاری از انگیزه‌های سیر آفاقی مشایخ صوفیه در تذکره الاولیاء، مانند

حج، تجارت، جهاد، ععظ و تبلیغ و طلب علم بر مبانی دین اسلام بوده است؛

۴. برخی از انگیزش‌های سفر مانند سفر برای حج و زیارت مشایخ در میان مشایخ

صوفیه تذکره اولیا نسبت به سایر انگیزش‌ها، از بسامد بالاتری برخوردار است؛

۵. وجه اشتراک همه این سفرها این است که سفر با هر انگیزشی انجام شود، درنهایت

دل بریدن از مألفات جسمانی و رهایی از زندان نفس را در پی دارد و این خود برای عارفان

مهم و نکته اساسی است.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

ابن‌الجوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی. ۱۳۸۱. *تلبیس ابلیس*. ترجمه علیرضا ذکاوی
قراگوزلو. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

باخرزی، ابوالمفاحر یحیی. ۱۳۴۵. *اوراد الاحباب و فصوص الآداب*. ج ۲. به کوشش ایرج
افشار. تهران: دانشگاه تهران.

رازی، نجم‌الدین ابوبکر. ۱۳۷۳. *مرصاد العباد من المبداء الى المعاد*. به اهتمام محمدامین
ریاحی. چاپ پنجم. تهران: علمی و فرهنگی.

سههوردی، شهاب‌الدین. ۱۳۸۴. *عوارف المعارف*. تهران: علمی و فرهنگی.
شریف‌رضی، محمدبن‌حسین. ۱۳۸۸. *نهج البلاعه*. ترجمه محمد دشتی. قم: مؤسسه بوستان
کتاب.

صف، ذبیح‌اله. ۱۳۸۰. *تاریخ ادبیات در ایران*. چاپ هفتم. تهران: انتشارات فردوس.
عطار نیشابوری، فرید‌الدین. ۱۳۷۰. *تذکرہ الاولیاء*. ترجمه رینولد نیکلسون. انتشارات دنیای
کتاب. چاپ سوم

قشیری، امام ابوالقاسم. ۱۳۷۴. *ترجمه رساله قشیریه*. تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر. چاپ
چهارم. تهران: علمی و فرهنگی

کاشانی، عزالدین محمود. ۱۳۷۲. *مصباح‌الهدایه و مفتاح‌الکفایه*. تصحیح جلال‌الدین
همایی. چاپ چهارم. تهران: هما

کبری، نجم‌الدین. ۱۳۶۳. *آداب الصوفیه*. به تصحیح مسعود قاسمی. تهران: کتابفروشی زوار
مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. ۱۳۶۶. *بحار الانوار*. تهران: دارالکتب اسلامیه
مکی، ابوطالب. ۱۳۸۴. *قوت القلوب*. بیروت: دارالکتب العلمیه

هجویری، ابوالحسن. ۱۳۷۱. *کشف المحجوب*. تصحیح والنتین ژوکوفسکی. چاپ دوم. تهران:
کتابخانه‌ی طهوری.

References

The Holy Quran

Aban al-Jouzi, Abol Faraji Abdulrahman bin Ali (2002) *Talbis Iblis*,
translated by Alireza Zakavati Gharoghosloo, Tehran, University
Publishing Center.

انگیزه‌های سیر آفاقی در تذکره الاولیاء (۲۳-۱۱) _____

- Attar Neishabouri, Farid al-Din (1991) Tadzkerah Olaya, Translation by Renolled Nicholson, World Book Publishing, Third Edition
- Bakhrzayi, Abolmakhber Yahya (1966), Urad al-Habab and Fusus al-daab, 2, by Iraj Afshar, Tehran, Tehran University
- Ghashiri, Imam Abu al-Qasim (1995) Translation of Rasoul Ghashiriyyeh, Correction of Badie-e Zaman Forouzanfar, Fourth Edition, Tehran, Scientific & Cultural
- Hojawari, Abolhassan (1992), Discovery of Al-Muhajub, Correction of Valentin Zhukovsky, Second Edition, Tehran, Tahiri Library
- Kashani, Ezzeddin Mahmud (1993) Mesbah Al-Hadaei and Mftah al-Faha'i, Correction of Jalaluddin Hemayi, Fourth Edition, Tehran, Homa
- Maki, Abutaleb (2005) Al-Qalub Power, Beirut, Dar Al-Kabul Al-Mamieh
- Majlisi, Mohammad Bagher ibn Mohammad Taghi (1366) Baharalanvar, Tehran, Islamiyah
- Razi, Najmaddin Abu Bakr (1993) Morsad al-Abad I am al-Mabda al-Mā'ad, under the direction of Mohammad Amin Riahi, fifth edition of Nahr, scientific and cultural 5.
- Safa, Zabihollah (2001) Iranian Literature History, Seventh Print, Tehran, Ferdows Publications
- Sharif Razi, Mohammad bin Hussein (2009) Nahj al-Balaghah, translation by Mohammad Dashti, Qom, Bostan Institute of Books
- Suhrawardi, Shahabuddin (2005) Encyclopedia of the Encyclopedia, Tehran, Scientific and Cultural.